

## بررسی رابطه ناکامی و خشونت روانی و کلامی مردان و زنان در خانواده‌های شهر اصفهان

مه‌ربان پارسامهر<sup>۱</sup>

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد

معصومه یوسفی شیخ رباط<sup>۲</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد

مه‌ران بندری<sup>۳</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد

### چکیده

خشونت‌های روانی و کلامی یکی از شایع‌ترین انواع خشونت است که بعد فیزیکی و آشکار خشونت در آن نمود کمتر و زوایای پنهان و ذهنی در آن نمود بیشتری دارد. این نوع خشونت به‌طور معمول با سخن و عملی که ذهن و روان آدمی را آزرده می‌کند ظاهر می‌شود. این پژوهش با هدف سنجش میزان ناکامی و خشونت‌های روانی و کلامی در میان مردان و زنان خانواده‌های شهر اصفهان انجام گرفته است. روش تحقیق از نوع تطبیقی - همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه زنان و مردان متاهل شهر اصفهان که دو سال از ازدواج آن‌ها گذشته است تشکیل می‌دهند. تعداد ۳۸۴ نفر از میان آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران با روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای؛ خوشه‌ای و سیستماتیک به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد گیلبرت و آلن و همچنین پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. یافته‌های پژوهش نشان داد: میزان خشونت روانی نزد مردان و میزان خشونت کلامی در

۱. [parsamehr@yazd.ac.ir](mailto:parsamehr@yazd.ac.ir)

۲. [m.you7905@gmail.com](mailto:m.you7905@gmail.com)

۳. [mehran.bondori465@gmail.com](mailto:mehran.bondori465@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱

میان زنان شایع‌تر است. بین احساس ناکامی و خشونت روانی و کلامی همبستگی مثبت و معناداری مشاهده گردید. همچنین بین جنسیت و خشونت روانی - کلامی تفاوت وجود دارد به گونه‌ای که میزان خشونت روانی - کلامی در بین زنان بیشتر از مردان است. تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که متغیرهای جنسیت، ناکامی و منطقه سکونت حدود ۱۵/۱ درصد میزان خشونت روانی - کلامی را در شهر اصفهان تبیین می‌کند.

### واژگان کلیدی

خشونت، ناکامی، جنسیت، خانواده

### مقدمه و بیان مسئله

خشونت روانی و کلامی<sup>۱</sup> با هدف آسیب رساندن به همسر از مسائل و مشکلاتی است که بر زندگی بسیاری از زنان و مردان در گروه‌های مختلف اجتماعی اثر داشته است. از شایع‌ترین نوع خشونت، خشونت روانی - کلامی همسران است که در محیط خصوصی (خانواده) به وقوع می‌پیوندد و چون میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند، جرم وابسته به جنسیت خاص محسوب می‌گردد که مردان و زنان روا می‌دارند و در واقع از رفتار جنس غالب در جامعه نشأت می‌گیرد (سروستانی، ۱۳۸۶).

خشونت میان زنان و مردان به عنوان یک آسیب اجتماعی، واقعیت آزار دهنده‌ای است که هر روز بر دامنه و وسعت آن افزوده می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). خانواده نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه‌پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، انتقال الگوهای روابط و تعامل به سایر نهادهای اجتماعی را سبب شده است. بدون شک، هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی از تاثیر خانواده جدا نیستند. نهاد خانواده هنگامی کارکرد به درستی دارد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد (شریانی و همکاران، ۱۳۹۵). آنچه ضرورت این مسئله را جدی‌تر می‌نماید آن است که اعمال خشونت علاوه بر تاثیرات مضر بر زندگی زن و مرد موجب پیامدهای منفی از جمله عدم احساس امنیت، اختلال در روابط اجتماعی و تاثیر مستقیم بر تربیت فرزندان و همچنین

1 Verbal Psychological Violence



گسترش خشونت در تمام سطوح جامعه می‌گردد. (ساعی ارسی و نیک نژاد: ۱۳۸۹). در یک جامعه پر از خشونت، همه اعضا به خود اجازه می‌دهند در برخورد با یکدیگر راه‌حل‌های خشونت‌آمیز و خصمانه را برگزینند. مردان این حق را به خود می‌دهند که پیوسته به زنان و کودکانشان آسیب جسمی و روانی برسانند و زنان می‌توانند کودکان را مورد آزار قرار دهند. خانواده محل تامین امنیت عاطفی فرد است، کودکان و نوجوانان در خانه یاد می‌گیرند که چگونه دیگران را دوست بدارند تا دوست داشته شوند. بنابراین، بحران والدین در خانواده موجب می‌گردد که افراد به جای تفاهم به مقابله بپردازند که پیامد آن ممکن است به انزوا، طرد، افسردگی، بی‌ارزشی و یا اقدام به خشونت خانگی علیه فرزندانشان گردد (حیدرآبادی و همکاران، ۱۳۹۳). چنین شرایطی بر استرس و آزار دهنده در خانواده فرزندان را به دام اعتیاد، رفتارهای ناشایست، معاشرت با دوستان ناباب و بزهکاری، افت تحصیلی، تاثیر سوء بر سلامت جسمی و روانی فرزندان، الگوگیری منفی فرزندان از رفتار سوء والدین، ایجاد حس تنفر در فرزندان، کاهش انرژی‌های مثبت اعضای خانواده می‌کشد (حیدرآبادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ نوری و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین پیامدهای اجتماعی خشونت‌های خانگی نیز گسترده بوده که می‌توان به نقص در ارتباطات و مراودات اجتماعی با خانواده، دوستان و دیگران، نقصان در انجام وظایف و عملکردهای اجتماعی، تبدیل آزار دیده به آزارگر و ایجاد اختلال در روابط سالم اجتماعی اشاره کرد (نوری و همکاران، ۱۳۹۶). از دیگر عواقب خشونت‌های خانگی و تاثیرات منفی روان‌شناختی بر اعضای خانواده می‌توان تنهایی، افسردگی، اضطراب، وسواس، اختلال در خوردن، اختلال در خواب، سرزنش خود، اختلال روابط عاطفی و خودکشی، طلاق‌های عاطفی، قانونی و خیانت‌ها در زندگی زناشویی را نام برد. این نوع خشونت‌ها سبب تخریب شخصیت مردان و زنان و ایجاد بیمارهای روحی و روانی شده و تمام لحظات زندگی فرد قربانی را با خود همراه ساخته و آسیب جدی به خانواده وارد می‌کند (پورافکاری و همکاران، ۱۳۹۲).

خشونت همسران علیه هم با تعاریف امروزی شامل چهار نوع خشونت: روانی<sup>۱</sup>، کلامی<sup>۲</sup>، مالی<sup>۳</sup> و جنسی<sup>۴</sup> است. خشونت روانی و کلامی عبارت است از: رفتاری خشونت آمیز که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس را خدشه دار می‌کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، تمسخر، توهین، فحاشی و تهدیدهای مداوم به طلاق یا ازدواج مجدد کردن اعمال می‌شود (کار، ۱۳۸۰). خشونت مالی: رفتار خشونت آمیزی است که اغلب مردان علیه زنان روا می‌دارند. از آنجایی که در خانواده‌ها کسب درآمد غالباً وظیفه مرد است، اگر مردان نخواهند از خود سخاوتی در تمکین مادی زنان نشان دهند، ادامه زندگی برای زنان بدون درآمد به مخاطره می‌افتد (شربتیان و همکاران، ۱۳۹۶). از جمله این رفتارها می‌توان از دریافت اجباری حقوق و درآمد همسر، مجبور کردن همسر به فروش اموالش، ندادن خرجی و پول کافی و در مضیقه مالی قرار دادن همسر و فرزندان نام برد. خشونت جنسی: این نوع خشونت در حیطه‌ی زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی اتفاق می‌افتد و با مجبور کردن زن به سقط جنین، اجبار به روابط جنسی نامتعارف و برقراری ارتباط جنسی بر خلاف میل زن نمایان می‌شود (شربتیان و همکاران، ۱۳۹۶).

هر گاه از خشونت صحبت می‌شود ذهن‌ها معطوف به آسیب‌های جسمی و فیزیکی می‌شود، در حالی که خشونت دارای قالب‌های روانی و کلامی نیز هست. امروزه از انواع خشونت‌ها نظیر: خشونت فیزیکی، جنسی و جسمی کاسته شده و بر میزان خشونت‌های روانی و کلامی میان زنان و مردان افزوده گردیده است. اگر چه خشونت روانی و کلامی به صورت تحقیر، توهین و تهدید کردن از سوی زن و مرد اتفاق می‌افتد، اما این توهین‌ها در رابطه با زنان، سمت و سوی بیشتری دارد، چون همیشه این تصور وجود دارد که زنان انسان‌هایی ضعیف و ناتوان هستند. خشونت میان زنان و مردان به عنوان یک آسیب اجتماعی، واقعیت آزاردهنده‌ای است که هر روز بر دامنه و وسعت آن افزوده می‌شود و موضوعی نگران کننده

---

1 Psychological

2 Verbal

3 Financial

4 Sexual

به‌شمار می‌آید که به یک معضل جهانی تبدیل شده است. آنچه ضرورت این مسئله را جدی‌تر می‌نماید آن است که اعمال خشونت علاوه بر تاثیرات مضر بر زندگی زن و مرد موجب پیامدهای منفی از جمله عدم احساس امنیت، اختلال در روابط اجتماعی و تاثیر مستقیم بر تربیت فرزندان می‌گردد و وجود این پدیده مضر برای جامعه هزینه‌های سنگینی را در بردارد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). بررسی‌های انجام شده در داخل و خارج کشور نشان داده‌اند که خشونت‌های روانی و کلامی بخش مهمی از خشونت زنان و مردان را تشکیل می‌دهد و حتی به عقیده عده‌ای این نوع خشونت‌ها رایج‌تر از خشونت‌های جسمی است. فهر و کم محلی از جانب همسر ۶۴/۱ درصد، تحقیر و سرزنش ۳۷/۵ درصد و فحش و ناسزا ۳۰ درصد که از گسترش شکل‌های روانی همسرآزاری در جامعه حکایت دارد (سیف ربیعی و همکاران، ۱۳۸۱). همچنین خشونت مالی ۲۱/۴۱ درصد، خشونت جسمی ۲۵/۹۲ درصد و خشونت جنسی ۱۱/۶۳ درصد بیشترین آمار را در خصوص خشونت علیه زنان نشان داده‌اند (شربتیان و همکاران، ۱۳۹۶). به‌طور کلی آمار خشونت سال ۲۰۱۹ در رابطه با خشونت کشورهای افریقای جنوبی (۱۳۲/۴)، بوتسوانا<sup>۱</sup> (۹۲/۹)، لسوتو<sup>۲</sup> و سوئد (۸۲/۷) و (۶۳/۵) درصد از خشونت را به خود اختصاص داده‌اند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲) در کشور ما به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی، آمار و ارقام رسمی در مورد این نوع خشونت وجود ندارد و کمتر از جوامع غربی است. زیرا بسیاری از زنان به دلایلی از جمله شرم و حیا و حفظ آبرو از ابراز خشونت خودداری می‌نمایند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین سکوت مردان از دلایل نبودن آمار واقعی میزان خشونت صورت گرفته علیه آنان است. وقتی که اکثر مردان دچار خشونت می‌شوند، سکوت می‌کنند و به غار تنهایی خود فرو می‌روند. علاوه بر این، به دلیل جایگاه خاص اجتماعی خود و ترس از مورد تمسخر و استهزاء قرار گرفتن تمایلی به بیان ماوقع ندارند به همین دلیل ارتکاب جرائم بر علیه آنان مخفی باقی می‌ماند (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، به واسطه گسترش مشکلات اقتصادی، از جمله تورم و رکود،

1 Botswana

2 Lesotho

مشکلات و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی و عدم دستیابی به زندگی مطلوب، خشونت کلامی و روانی در بین خانواده‌های ایرانی افزایش پیدا کرده است و خانواده‌های اصفهانی نیز از این آسیب‌ها به دور نمانده‌اند و برخی از شرایط مانند ماشینی بودن، شرایط اقلیمی و محیطی و ناهمگنی‌های اقتصادی این پدیده را در شهر اصفهان نیز تشدید کرده‌است. از این رو سوال اصلی این تحقیق را بر این اساس قرار دادیم که میزان خشونت روانی-کلامی مردان و زنان چقدر است؟ و اینکه ناکامی چه تاثیری بر خشونت‌های روانی و کلامی دارد؟

### پیشینه‌ی تحقیق

در مطالعاتی که تاکنون انجام شده متغیر ناکامی و نقش آن بر خشونت روانی - کلامی در بین مردان و زنان مورد سنجش قرار نگرفته است به همین دلیل سعی بر این بود تحقیقاتی که به موضوع نزدیک‌تر باشند به عنوان پیشینه ذکر شوند.

زمانی مقدم و حسنوندی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «مطالعه‌ی کیفی خشونت خانگی علیه زنان خانه‌دار در شهر خرم آباد» نشان دادند که مسائل و مشکلات شوهر، موجب خشونت‌ورزی علیه زنان می‌شود. همچنین وضعیت نامناسب اجتماعی زنان و فرهنگ مردسالار حاکم بر شهر خرم آباد، زنان را در برابر خشونت شوهران، بی‌دفاع می‌کند. زنان در چنین وضعیتی چاره‌ای جز ساختن و سوختن ندارند.

پورنقاش تهرانی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی «رابطه‌ی بین خشونت خانگی و عملکردهای شناختی در زنان قربانی همسر آزاری: نقش واسطه‌ای خود تنظیمی و پریشانی روانشناختی» پرداختند. نتایج نشان داد که خشونت خانگی بر عملکردهای شناختی توسط متغیرهای واسطه‌ای خود تنظیمی و پریشانی روانشناختی تاثیر گذار است. همچنین پژوهش بیانگر آن است که تجربه‌ی خشونت‌های خانگی زنان به واسطه کاهش توانایی خود تنظیمی و ایجاد پریشانی روانشناختی باعث کاهش عملکردهای شناختی در آنها می‌گردد.

کبیری و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر

خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه) نشان دادند: رابطه معکوس و معناداری بین متغیرهای حمایت اجتماعی، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی با خشونت علیه زنان وجود دارد به گونه‌ای که با افزایش متغیرهای (حمایت اجتماعی، احساس امنیت و سرمایه اجتماعی) میزان خشونت علیه زنان کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان داد بین اعمال قدرت از سوی مرد در خانواده با میزان خشونت علیه زنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد یعنی هر چه میزان اعمال قدرت در خانواده افزایش پیدا می‌کند خشونت علیه زنان به همان میزان افزایش می‌یابد.

طالب پور (۱۳۹۶) به پژوهشی با عنوان «بررسی انواع همسر آزاری در مناطق شهری و روستایی استان اردبیل و عوامل موثر بر آن» پرداخت. نتایج نشان داد که میزان همسر آزاری در استان اردبیل ۲۹/۶ درصد بوده است. همسر آزاری مالی با ۳۲/۲ درصد بیشترین نوع همسر آزاری و همسر آزاری فیزیکی با ۲۷/۲ درصد کمترین نوع همسر آزاری بوده است. سهراب زاده و منصوریان راوندی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده (مطالعه موردی زنان شهر کاشان)» دریافتند: بی‌اعتنایی به زن، خشونت کلامی در پوشش شوخی، پایین آوردن ارزش و احترام زن و برخورد تحکم آمیز با زن نمونه‌هایی از خشونت کلامی در خانواده بودند.

شربتیان و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «تحلیل جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه (مطالعه‌ی موردی زنان ۱۸-۵۴ سال شهر میانه)» نشان دادند بین انواع خشونت علیه زنان (مالی، جسمی، جنسی، اجتماعی، عاطفی، کلامی و روانی) شایع‌ترین نوع آن در این شهر، خشونت‌های عاطفی، کلامی و روانی بوده است.

نوری و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «واکاوی همسر آزاری روان‌شناختی مردان علیه زنان در زوجین ایرانی؛ یک مطالعه کیفی» دریافتند که همسر آزاری روان‌شناختی مردان علیه زنان تحت تاثیر عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر، روان‌شناختی و شخصیتی قرار دارد. همچنین عوامل همسر آزاری نیز شامل عوامل زمینه‌ای همچون: زمینه اجتماعی، مذهبی، اقتصادی،

محیطی، فرهنگی و خانوادگی بود.

بگ رضایی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «فرا تحلیل مطالعات خشونت شوهران علیه زنان در ایران» نشان دادند خشونت‌های روانی-عاطفی با ۵۲ درصد شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان بوده است؛ پس از آن نیز خشونت فیزیکی با ۳۷ درصد و خشونت اجتماعی با ۳۴ درصد به ترتیب شایع‌ترین انواع خشونت‌ها علیه زنان به شمار می‌آیند. نتایج پژوهش آلوز و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) با عنوان «بررسی تاثیر سیاست‌های جدید مقابله با خشونت خانگی در کشور پرتغال» تاثیر مثبت این سیاست‌ها را نشان می‌دهد. از نظر شماری از زنان، زمانی که سیاست‌های جدید اعمال شده است رفتارهای خشونت‌آمیز کمتر به عنوان اموری عادی تلقی می‌شوند و این رفتارها به عنوان جرم و سوء استفاده‌های روانشناختی تعریف می‌شوند.

چیلدرس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیرات نامطلوب خشونت علیه زنان در قرقیزستان» انجام دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که میزان خشونت علیه زنان نگران‌کننده است. بیشتر افراد شرکت کننده در تحقیق به شکلی تجربه خشونت خانگی را داشته‌اند و معتقد بودند که دولت‌ها و سازمان‌های مردم نهاد باید اقدامات بیشتری برای جذب زنان به خدمات پیشگیری از خشونت خانگی انجام دهند.

آنلند و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «افزایش خشونت جنسی، فیزیکی و روانی بین زنان و مردان ۶۰-۷۴ ساله سوئدی» نشان دادند: شیوع خشونت جنسی در زنان بیشتر از مردان است. خشونت روانی شایع‌ترین خشونت علیه مردان بوده است.

ابترز و اگبمافله<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی «عوامل موثر بر احتمال وقوع خشونت خانگی علیه زنان متاهل غنا» پرداختند. ۳۳/۶ درصد از زنان مورد بررسی خشونت خانگی را تجربه کرده بودند. محل سکونت، مصرف الکل توسط شوهر و سابقه خانوادگی خشونت

1 Alves et all

2 Childress et all

3 Ahnlund et all

4 Ebenezer Agbemafle



باعث افزایش خطر خشونت خانگی علیه زنان می‌شود.

مدهانی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان « ادراکات و تجارب زنان خشونت خانگی: مطالعه زنان حیدرآباد پاکستان» دریافتند که دلایل عدم افشای رفتارهای خشونت آمیز توسط زنان عبارت اند از: ترس از دست دادن فرزندان، ننگ اجتماعی و نگرانی از تاثیر خشونت بر کودکان. همچنین نتایج نشان داد که عدم استقلال مالی زنان، باورهای مردسالارانه و وابستگی زنان به مردان در شکل‌گیری خشونت علیه زنان موثر است.

آترایه و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «عوامل موثر بر خشونت مردان علیه زنان در نپال» نشان دادند بین بی‌سوادی زنان، وضعیت ضعیف اقتصادی، سابقه‌ی خشونت در خانواده و نبود استقلال در تصمیم‌گیری با خشونت رابطه وجود دارد.

توکاک و گالیپ<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «خشونت خانگی علیه زنان متاهل در ادرین<sup>۴</sup>» دریافتند که بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان خشونت را در خانه تجربه کرده‌اند همچنین یافته‌ها نشان داد، باورهای مرد سالارانه و سنتی، عدم استقلال مالی زنان و وضعیت اقتصادی اجتماعی نامناسب، عوامل موثر بر خشونت خانگی است.

### مبانی نظری تحقیق

دولارد<sup>۵</sup> در نظریه ناکامی - پرخاشگری، ناکامی را به‌عنوان عامل به‌وجود آورنده‌ی تمایلات پرخاشگرانه در نظر می‌گیرد. این نظریه مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که پرخاشگری را به‌طور عمده ملهم از یک عامل بیرونی برای آسیب رساندن به دیگران در نظر می‌گیرد. این رهیافت در چند تئوری مختلف منعکس شده است که جملگی بر این باورند که شرایط بیرونی مانند ناکامی، فقدان وجهه و احساس اجحاف، محرکی نیرومند برای ایجاد رفتار

1 Madhani et all

2 Atteraye et all

3 Tokuc and Galip

4 Edirne

5 Dolarud

آسیب‌زا محسوب می‌شود. در این تئوری پرخاشگری نتیجه فرایندی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آن‌ها شکل می‌گیرد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹).

گرا معتقد است محرومیت نسبی موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و نارضایتی محرکی کلی برای اقدام علیه منبع محرومیت است (گر؛ ۱۳۸۸). گرایش به واکنش پرخاشجویانه در انسان بخشی از ژنتیک اوست (گر؛ ۱۳۸۸). پاسخ‌های پرخاشجویانه تنها زمانی شکل می‌گیرند که سرنخی از بیرون آن‌ها را تحریک کند. گر نظریه خود را براساس این فرض که نارضایتی علت اساسی ستیز خشونت‌آمیز است شروع می‌کند.

نظریه منابع<sup>۲</sup> بلاد<sup>۳</sup> و ولف<sup>۴</sup> توزیع قدرت بین زن و شوهر را در تصمیم‌گیری‌ها تبیین می‌کند. بنیاد این نظریه برای توزیع قدرت در خانواده بر حسب منابعی است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده آورده‌اند. این منابع ارزشمند، به طور اخص، تحصیلات، شغل و قدرت مالی هر یک از زن و شوهر است که به میزان برخورداری از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند. البته منابع ارزشی دیگری نیز مثل علاقه و وابستگی زوجین و جذابیت فرد برای همسر دخیل هستند که در توزیع قدرت در تصمیم‌گیری در خانواده نقش مهمی دارد. این نظریه بیان می‌کند زمانی که فرد دارای منابع زیادی است و یا در شرایطی که منابع او بسیار ناکافی است، احتمال اینکه از راهبرد خشونت استفاده کند، بیشتر است به‌طور نمونه وقتی فردی بخواهد بر دیگری اعمال قدرت کند، ولی منابع او (نظیر تحصیلات، شغل، درآمد، مهارت) در سطح پایینی باشد، از خشونت برای تداوم موقعیت خویش استفاده می‌کند (صبوری و مهدوی نسب، ۱۳۸۲: به نقل از پورافکاری و همکاران، ۱۳۹۲). گود<sup>۵</sup> از نظریه منابع برای تبیین خشونت مردان علیه زنان استفاده می‌کند و معتقد است قدرت تصمیم‌گیری

---

1 Gurr

2 Resource Theory

3 Blood

4 Wolf

5 Good



هر یک از زوجین بستری است که زن و شوهر با ازدواج منابع ارزشمندی را در آن برای خود جذب می‌کنند. تئوری منابع قدرت بر سطوح نابرابری در جامعه تاکید دارد. این نظریه معتقد است که اگر منابع در دسترس فرد زیاد باشد، فرد دارای زور و قدرت بیشتری است اما عملاً کمتر از خشونت در روابط استفاده می‌کند. افراد فاقد منابعی مانند درآمد و تحصیلات احتمال بیشتری دارد که از خشونت به عنوان یک منبع جهت به دست آوردن قدرت بیشتر در روابطشان استفاده نمایند (اعزازی، ۱۳۸۰).

شلسکی<sup>۱</sup> در نظریه خود «سلطه طبیعی» موجود در خانواده را در مقابل سلطه انتزاعی موجود در جامعه قرار می‌دهد. از دید او رشد و توسعه سلطه طبیعی از عوامل تعیین کننده موجودیت در خانواده است. شلسکی خانواده را به طرز بسیار خوشبینانه مورد بررسی قرار داد یعنی حتی نمودهایی از خانواده را که می‌توان مورد انتقاد قرار داد مانند فقدان شعور واقع‌بینی، عدم علاقه به جریان‌های سیاسی، عزلت‌گزینی، حتی نابرابری میان زنان و مردان در خانواده و عدم اشتغال زنان به کار را نیز جزء عوامل ثبات خانواده در نظر گرفته و به صورت مثبت ارزشیابی می‌کند. به خصوص در مورد اشتغال به کار زنان معتقد است که با کار کردن زن در بیرون از خانه، امنیت و موجودیت خانواده که به وجود آورنده زیر بنای معنوی رفتار است به خطر افتاده و سبب نابسامانی‌هایی در روابط اجتماعی درون خانواده می‌گردد و از این طریق «کارایی منحصر به فرد خانواده که تربیت فرزندان در محیطی سرشار از اعتماد و مراقبت است در معرض مخاطره قرار می‌گیرد». شلسکی وجود سلطه طبیعی (مرد) را ضروری می‌داند. از آنجا که خانواده دارای ساختی طبیعی است پس وجود سلطه‌ی مرد در خانواده و اعمال حاکمیت امری طبیعی است. شلسکی معتقد بود که پیروان مکتب فرانکفورت با حذف «سلطه طبیعی» و تقویت «سلطه انتزاعی» باعث تضعیف خانواده می‌گردند. به اعتقاد شلسکی وجود نهادهایی با ویژگی‌های اقتدار و زور از ضروریات زندگی انسان است. وی در برابر جنبش‌های آزادی خواهانه زنان نیز دیدگاهی مخالف داشت (روزن باوم، ۱۳۶۷).

دیدگاه فمینیستی معتقد است خشونت علیه زنان به خصوص خشونت خانگی، ریشه در فرهنگ و ساختار سیاسی جامعه دارد که پدرسالاری را تشویق می‌کند و زنان در روابط صمیمی زیر سلطه مردان قرار می‌گیرند (بلنک و همکاران، ۲۰۰۴). این دیدگاه، تسلط مرد و اجتماعی شدن برای استفاده از قدرت را منشأ خشونت می‌داند و بیان می‌کند خشونت خانگی نتایج پدرسالاری و تسلط مرد و نابرابری جنسی است (زاوالا، ۲۰۰۷). خشونت علیه زنان از وضعیت فرودست آن‌ها در رابطه با مردان و نظام خانوادگی پدرسالار ناشی می‌شود و تبیین آن در نظریه‌های یادگیری اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی و تضاد منابع در چارچوب ساختارهای فرهنگی پدرسالار معنا دار است؛ اما اگر ساختارهای اقتداری پدرسالارانه را به تعبیر فوکو (سلطه‌گفتمانی) بدانیم، این سلطه به ناچار با اشکال متعددی از مقاومت روبه‌رو می‌شود (فوکو، ۱۳۸۷). پدرسالاری، یک صورت اجتماعی است و تقریباً در سراسر جهان وجود دارد؛ زیرا مردان بیشترین منابع قدرت مادی و جسمانی را برای اعمال نظارت بر زنان بسیج می‌کنند و هنگامی که این قدرت مادی و جسمانی حاکم باشد منابع دیگر قدرت، مانند: قدرت عقیدتی، حقوقی و عاطفی نیز به کار برده می‌شوند. خشونت جسمانی آخرین حربه‌ی دفاع از پدرسالاری است که در روابط بین اشخاص و گروه‌ها برای حفاظت از پدرسالاری غالباً در برابر مقاومت فردی و گروهی زنان به کار برده می‌شود (ریترز، ۱۳۸۳). در هر حال خشونت خانگی از جمله عواملی است که احساس امنیت زنان را در محیط خانه در معرض خطر قرار می‌دهد. از آنجایی که همواره خانواده به منزله‌ی پناهگاهی مقدس برای آسایش خاطر و آرامش انسانی تلقی می‌شود، خشونت خانگی از نظر لغوی با چنین مفهومی از خانواده هم‌خوانی ندارد؛ زیرا خشونت، تصویر آرام خانه و امنیت به دست آمده از خویشاوندی را در هم می‌شکند (آبوت و والاس، ۱۳۹۱).

### چارچوب نظری تحقیق

دولارد ناکامی را به عنوان عامل به وجود آورنده‌ی تمایلات پرخاشگرانه در نظر می‌گیرد. طبق نظر دولارد می‌توان به دو برداشت از نظریه آن اشاره کرد. الف) ناکامی همیشه منجر به



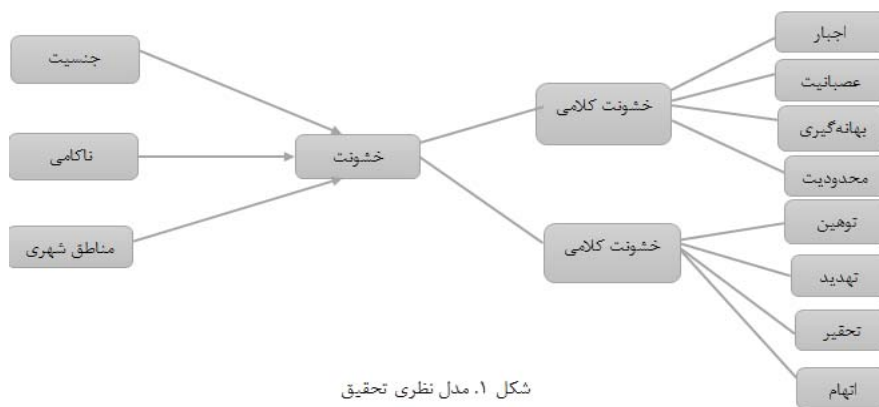
پرخاشگری می‌گردد. ب) پرخاشگری همیشه ناشی از ناکامی است. بنابراین وقتی فرد در رسیدن به اهداف خود شکست می‌خورد دچار ناکامی می‌شود و در نتیجه احتمال پاسخ پرخاشگرانه در او افزایش می‌یابد. همچنین اگر ناکامی به دفعات اتفاق بیفتد و نحوه ابراز آن مناسب نباشد می‌تواند به یک حس مخرب و ویرانگر تبدیل شود و پیامدهای ناگواری را برای فرد و اطرافیانش رقم بزند، خشم اغلب بر اثر واکنش شخصی نسبت به رفتار ناشایست دیگران بروز می‌کند. خشم می‌تواند یک رنجش و ناراحتی جزئی و یا در نوع حاد واکنشی جنون‌آمیز باشد. بنابراین افراد برای تخلیه فشارهای ناشی از شکست و ناکام ماندن خود به آزار و اذیت کردن دیگران و خشونت متوسل می‌شوند. دولارد ناکامی را ناشی از دو عامل درونی و بیرونی می‌داند، عوامل بیرونی مانند شرایط محیطی، فقر، بی‌کاری پدیدآورنده‌ی تمایلات پرخاشگرانه در افرادند فرد برای رهایی از تنش و تضادهایش از سلاح خشونت استفاده می‌کند؛ اما عوامل درونی شامل افسردگی، درماندگی و ... او را به سوی پرخاشگری و خشونت هدایت می‌کنند. (برکویتز، ۱۹۸۶).

گر معتقد است محرومیت نسبی عامل نارضایتی است و نارضایتی را به‌عنوان یک عامل علیه محرومیت در نظر می‌گیرد. وقتی افراد در رسیدن به اهداف خود محروم بمانند، این محرومیت و عوامل ناشی از آن منجر به خشونت می‌شود زیرا افراد انتظارات و توقعاتی که در ذهنشان دارند با توجه به منابع در دسترس هماهنگ نیست و باعث می‌شود نوعی احساس محرومیت در افراد ایجاد شود. در واقع وقتی افراد خود را در مقایسه با دیگران قرار دهند و در این مقایسه، خود را نسبت به آنان در موقعیت پایین‌تر و نازل‌تری ببینند احساس محرومیت در آن‌ها شکل می‌گیرد (رابرت گر، ۱۳۸۸).

از نظر گود مردان و زنان با توجه به منابع در دسترس خانواده اعمال قدرت می‌کنند. گود معتقد است زنانی که از لحاظ اقتصادی و مالی به شوهرانشان وابسته‌اند این وابستگی به این معنا است که آن‌ها گزینه‌ها و منابع کمتری برای مقابله با رفتار خشونت‌آمیز شوهر خود دارند. برای مثال زنانی که بچه دارند دارای هزینه‌های بیشتری اند و چون از نظر مالی به شوهر خود وابسته‌اند و منبع دیگری برای تامین مخارج و هزینه‌های زندگی ندارد مجبور به تحمل شرایط

موجود هستند. اما زمانی که منابع بیشتر همچنین عدم وابستگی و استقلال مالی دارند در برابر خشونت مردان سکوت نمی‌کنند و حالت تدافعی به خود می‌گیرند و چه بسا نسبت به مردان خشونت بیشتری نشان می‌دهند. طبق نظریه منابع، زمانی که فرد منابع زیادی دارد و یا در شرایطی که منابع او بسیار ناکافی است؛ احتمال اینکه از راهبرد خشونت استفاده کند بیشتر است (اعزازی، ۱۳۸۰).

نقطه اتصال نظریه پردازان فمینیست و شلسکی در این است که سلطه مردان بر زنان را به جنبه‌های فرهنگی جامعه مرتبط می‌کنند، زنان به دنیا نمی‌آیند مگر اینکه فرد درجه دو جامعه و نیازمند مراقبت از سوی مردان باشند. شلسکی سلطه طبیعی در خانواده را حق مسلم مردان می‌انگارد؛ اینکه مردان بر سایر اعضای خانواده به خصوص زنان نظارت دارند. همچنین با توجه به این نظریه سلطه و زور امری است در جهت کارکرد خانواده و معتقد است که خشونتی که در خانواده صورت می‌گیرد ضامن بقا، کارکرد و ماندگاری خانواده است



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

## روش تحقیق

این پژوهش از نظر اجرا پیمایشی و از نوع تطبیقی - همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان متاهل شهر اصفهان اند که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ بالغ بر «۱۹۲۱۲۶۰» برآورد شدند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد.



داده‌ها با استفاده از پرسشنامه استاندارد گیلبرت و آلن و همچنین پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرونباخ و اعتبار آن از روش اعتبار محتوا به دست آمده است یعنی اعتبار گویه‌ها از طریق مشورت با استادان و متخصصان تایید شد. شیوه نمونه‌گیری، نمونه‌گیری دو مرحله‌ای بوده است که در مرحله اول نمونه‌گیری خوشه-ای در محلات شهر اعمال گردید. بدین صورت که از ۱۵ منطقه شهر اصفهان، ۵ منطقه و از هر منطقه دو محله (منطقه یک؛ محله‌های خرم و جامی، منطقه دو؛ محله‌های رسالت، بابوکان، منطقه سه؛ محله‌های نقش جهان و شهشهان، منطقه پنج؛ محله‌های جلفا و وحید، منطقه هشت، محله‌های مارچین و بهرام آباد) به صورت تصادفی انتخاب شدند و به نسبت جمعیت هر یک از محلات پرسشنامه بین آن‌ها توزیع گردید. در مرحله دوم، نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک بود. بدین صورت که داخل محلات در هر بلوک از اعداد ۱ تا ۱۰ به تصادف عدد ۴ انتخاب گردید و چون عدد واسط ۱۰ بود خانه‌ی بعدی ۱۴ و ۲۴ و ..... انتخاب گردیدند. و به تناوب در یک خانه مرد و در خانه‌ی بعد زن به پرسشنامه پاسخ می‌داد. برای تحلیل آماری از نرم افزار spss و آزمون‌های آماری، T, F، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

جدول شماره ۱. تعریف مفهومی- عملیاتی و میزان آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

نوع متغیر	نام متغیر	تعریف مفهومی	ابعاد	تعریف عملیاتی	آلفای کرونباخ
مستقل	ناکامی	عبارت است از حالت فردی که از ارضای یک نیاز منطقی خود محروم شده یا حتی در برآوردن هدف‌های	درونی	۱-می‌خواهم از خودم فرار کنم. ۲- احساس می‌کنم توانی برای تغییر خود ندارم. ۳- احساس می‌کنم در درون خودم حبس شده‌ام. ۴- دوست دارم از کسی که الان هستم دور	۰/۹۰

خود گول خورده  
است.

شوم و دوباره شروع کنم. ۵-  
احساس می‌کنم در چاه عمیقی  
افتاده‌ام که نمی‌توانم از آن  
خارج شوم. ۶- دوست دارم از  
افکار و احساساتم خلاص  
شوم.

بیرونی

۱- در شرایطی قرار دارم که ۰/۸۶  
احساس می‌کنم در آن گیر  
کرده‌ام. ۲- دوست دارم از شر  
خیلی چیزها در زندگی‌ام  
خلاص شوم. ۳- درگیر رابطه-  
ای هستم که نمی‌توانم از آن  
جدا شوم. ۴- اغلب این  
احساس را دارم که دوست  
دارم از آن فرار کنم. ۵-  
احساس می‌کنم قادر به تغییر  
دادن چیزی نیستم. ۶- احساس  
می‌کنم در دام مسئولیت‌هایی  
افتاده‌ام. ۷- به هیچ وجه  
نمی‌توانم از وضعیت فعلی  
خارج شوم. ۸- دوست دارم از  
جایی که الان هستم فرار کنم و  
از آن فاصله بگیرم. ۹- دوست  
دارم از افراد توانمندتر از خودم  
فاصله بگیرم. ۱۰- احساس  
می‌کنم دیگران مرا اسیر خود





- اجبار
- ۰/۶۰ ۱- من را به انجام کارهایی  
و اداری می‌کند، که بعد احساس  
بدی دارم. ۲- من را به اجبار  
به خانه‌ی اقوام می‌برد که  
دوست ندارم با آن‌ها ارتباط  
داشته باشم. ۳- من را وادار  
می‌کند پوشش و لباسی انتخاب  
کنم که دوست ندارم. ۴-  
اظهار می‌کند که از روی اجبار  
مرا به همسری انتخاب کرده  
است.
- وابسته خشونت کلامی حرف‌های آزاردهنده،  
رفتار خشونت‌آمیز  
محسوب می‌شود.  
این حرف‌های  
آزاردهنده و  
ناخوشایند معمولاً به  
صورت ناسزا، لحن  
تندی، تحقیر،  
تمسخر، تشر، استهزاء  
و ... است که ممکن  
است به خشونت  
خانگی در چارچوب  
خانه منجر شود.
- ۰/۷۹ ۱- من را تهدید به طلاق و  
ازدواج مجدد می‌کند. ۲- تهدید  
به محرومیت از فعالیت‌های  
مورد علاقه‌ام می‌کند. ۳- به من  
گوشزد می‌کند، کاری خلاف  
میلش انجام دهم به من آسیب  
می‌رساند. ۴- تهدید می‌کند که  
مرا از دیدن فرزندانم محروم  
می‌کند.
- ۰/۸۹ ۱- به من توهین می‌کند و ناسزا  
می‌گوید. ۲- اکثر اوقات القاب  
ناشایست به کار می‌برد. ۳- از  
توهین به نزدیکانم، خواهر و  
برادرم ابائی ندارد. ۴- به عقاید  
مذهبی و افکارم توهین



- می کند. ۵- در جمع خانواده و اقوام، با واژه‌های رکیک مرا مورد خطاب قرار می‌دهد.
- تحقیر
- ۱- در برابر دیگران مرا تحقیر ۰/۹۰  
 می کند. ۲- در جمع دیگران مرا به مسخره می‌گیرد. ۳- در جمع دیگران نقاط ضعفم را می‌گوید.  
 ۴- در جمع دیگران رفتارهایی انجام می‌دهد که شرمنده می‌شوم.
- اتهام
- ۱- مرا متهم به دروغ‌گویی ۰/۸۵  
 می کند. ۲- دائم گوشی همراه مرا چک می‌کند. ۳- به رفت و آمدهای من اینکه با چه کسانی، کی و کجا می‌روم مشکوک است. ۴- در رفت و آمد با دیگران حساس است و تهمت می‌زند.

### یافته‌های پژوهش

۵۰ درصد پاسخگویان مرد و ۵۰ درصد زن اند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۱۴ سال و انحراف معیار ۹/۹۰ است. ۵/۷ درصد از پاسخگویان بی‌سواد و دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۹/۲ دارای تحصیلات راهنمایی و متوسطه؛ ۴۵/۸ دارای تحصیلات فوق دیپلم و کارشناسی؛ ۱۹/۳ دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند. ۹/۹ درصد از پاسخگویان کمتر از ۱/۵ میلیون درآمد دارند. همچنین ۲۸/۳ درصد درآمدشان بیشتر از ۱/۵ تا ۳ میلیون، ۴۷/۵ درصد بیشتر از

۳/۵ تا ۵ میلیون، ۱۴ درصد بیشتر از ۵ میلیون درآمد دارند.

فرضیه اول: میزان خشونت روانی - کلامی در بین همسران زیاد است.

جدول شماره ۲. آماره توصیفی متغیر وابسته به تفکیک ابعاد و آزمون تک نمونه‌ای T

sig	T	میانگین مفروض	حداک ثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	گویه- ها	ابعاد متغیر وابسته
۰/۰۰۰	-۲۲/۶۸۸	۱۰/۵	۱۷	۴	۲/۴۳	۶/۵۱	مرد	۴	عصبانیت
۰/۰۰۰	-۱۶/۲۵۰	۱۲	۲۰	۴	۲/۹۲	۷/۰۶	زن		
۰/۰۰۰	-۱۹/۲۹۸	۱۱	۱۸	۴	۲/۹۷	۶/۳۵	مرد	۴	بهانه‌گیری
۰/۰۰۰	-۱۴/۷۹۵	۱۲	۲۰	۴	۳/۲۵	۷/۰۲	زن		
۰/۰۰۰	-۱۶/۶۹۵	۱۰/۵	۱۷	۴	۳/۲۲	۶/۶۱	مرد	۴	اجبار
۰/۰۰۰	-۱۹/۸۷۹	۱۱	۱۸	۴	۳/۱۶	۵/۹۵	زن		
۰/۰۰۰	-۱۵/۳۶۴	۱۰/۵	۱۷	۴	۳/۵۰	۶/۶	مرد	۴	محدودیت
۰/۰۰۰	-۲۱/۵۶۳	۱۱/۵	۱۹	۴	۲/۹۶	۵/۸۹	زن		
۰/۰۰۰	۲۵/۵۵۰	۳۳/۵	۵۱	۱۶	۸/۵۴	۲۶/۰۷	مرد	۱۶	خشونت
۰/۰۰۰	۲۰/۹۶۹	۴۶/۵	۷۷	۱۶	۱۰/۱۹	۲۵/۹۲	زن		روانی (شاخص کل)
sig	T	میانگین مفروض	حداکتر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	گویه- ها	ابعاد متغیر وابسته
۰/۰۰۰	-۱۹/۶۱۷	۱۰/۵	۱۷	۴	۳/۰۴۹	۶/۱۸	مرد	۵	توهین
۰/۰۰۰	-۱۹/۶۵۳	۱۲	۲۰	۴	۳/۶۰۲	۶/۸۹	زن		
۰/۰۰۰	-۲۴/۸۲۹	۱۰	۱۶	۴	۲/۵۵۹	۵/۴۲	مرد	۴	تهدید
۰/۰۰۰	-۲۳/۳۱۴	۱۲	۲۰	۴	۳/۵۸۲	۶/۲۲	زن		
۰/۰۰۰	-۲۶/۰۷۲	۱۱	۱۸	۴	۳/۵۶۳	۵/۶۵	مرد	۴	تحقیر
۰/۰۰۰	-۱۹/۲۵۷	۱۱	۱۸	۴	۳/۳۶۱	۶/۳۲	زن		
۰/۰۰۰	-۱۸/۳۵۱	۱۱/۵	۱۹	۴	۳/۵۶۳	۶/۷۸	مرد	۴	اتهام
۰/۰۰۰	-۲۲/۴۸۰	۱۱	۱۸	۴	۳/۰۷۷	۵/۹۹	زن		
۰/۰۰۰	-۱۷/۵۸۱	۳۸/۵	۶۰	۱۷	۱۰/۳۱۹	۲۵/۴۰	مرد	۱۷	خشونت
۰/۰۰۰	-۲۲/۵۵۷	۴۸	۷۹	۱۷	۱۲/۸۲۱	۲۷/۰۷	زن		کلامی (شاخص کل)

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد میانگین خشونت روانی همچنین ابعاد آن از حد متوسط پایین‌تر است. ولی مقایسه شاخص کل میانگین‌ها نشان می‌دهد خشونت روانی مردان بیشتر از زنان است. همچنین نتایج حاکی از آن است میانگین شاخص کل خشونت کلامی



همچنین ابعاد آن از حد متوسط پایین تر است؛ ولی مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد شاخص کل خشونت کلامی زنان بیشتر از مردان است؛ اما به لحاظ آماری با توجه به اینکه سطح معناداری تمام ابعاد و شاخص کل برابر با (۰/۰۰۰) است این رابطه به لحاظ آماری معنادار است.

فرضیه دوم: میزان ناکامی در بین همسران زیاد است.

جدول شماره ۳. آماره توصیفی متغیرهای مستقل تحقیق و آزمون تک نمونه‌ای T

sig	T	میانگین مفروض	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	گروه‌ها	ابعاد متغیر مستقل
۰/۰۰۰	-۵/۶۵۴	۲۵	۴۰	۱۰	۸/۸۱	۲۱/۶۰	مرد	۶	ناکامی درونی
۰/۰۰۰	-۶/۵۲۶	۲۸	۴۶	۱۰	۶/۴۲	۲۳/۵۳	زن		
۰/۰۰۰	-۶/۵۲۶	۲۸	۴۶	۱۰	۸/۹۵	۲۲/۵۷	کل		
۰/۰۰۰	-۵/۶۵۴	۲۵	۴۰	۱۰	۸/۳۱	۲۱/۶۰	مرد	۱۰	ناکامی بیرونی
۰/۰۰۰	-۶/۵۲۶	۲۸	۴۶	۱۰	۹/۴۷	۲۳/۵۳	زن		
۰/۰۰۰	-۶/۵۲۶	۲۸	۴۶	۱۰	۸/۹۵	۲۲/۵۷	کل		

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که میزان احساس ناکامی در بین زنان و مردان از حد متوسط پایین تر بوده است ولی مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد میزان احساس ناکامی زنان در دو بعد درونی و بیرونی بیشتر از مردان است که به لحاظ آماری با سطح معناداری (۰/۰۰۰) در دو بعد ناکامی درونی و بیرونی نیز معنادار بوده است.

فرضیه سوم: بین مردان و زنان از نظر میزان خشونت روانی-کلامی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۴. مستقل برای تعیین تفاوت جنسیت و میزان خشونت روانی-کلامی T خروجی

آزمون

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معناداری
جنس	مرد	۵۱/۴۹	۱۷/۵۰	-۰/۷۴۸	۰/۰۱۴
	زن	۵۳/۰۲	۲۲/۲۹		

داده‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که میزان خشونت روانی-کلامی در بین زنان بیشتر

از مردان است. این تفاوت با توجه به  $p=0/014$  از نظر آماری نیز معنادار بوده است. فرضیه چهارم: بین مناطق ۵ گانه شهری و خشونت روانی-کلامی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۵. خروجی آزمون تحلیل واریانس بین میزان خشونت روانی-کلامی در مناطق ۵ گانه

## شهری اصفهان

منطقه شهری	محلله‌های شهری	تعداد	میانگین	انحراف F معیار	سطح معناداری
منطقه ۱	خرم	۳۸	۴۴/۱۰	۱۵/۳۳	
	جامی	۴۰	۵۵/۷۲	۲۴/۱۰	۰/۰۰۰
منطقه ۲	رسالت	۲۴	۴۷/۶۲	۱۷/۷۳	
	بابوکان	۲۲	۵۴/۲۷	۱۵/۱۳	
منطقه ۳	نقش جهان	۳۵	۶۵/۸۰	۲۰/۱۹	
	شهشهان	۳۰	۵۲/۶۳	۱۸/۹۵	
منطقه ۵	جلفا	۶۱	۴۹/۳۶	۱۷/۸۰	
	وحید	۳۷	۴۷/۴۰	۱۸/۸۲	
منطقه ۸	مارچین	۷۱	۵۴/۳۲	۲۲/۷۴	
	بهرام آباد	۲۵	۶۲/۳۶	۳۳/۰۹	

جدول شماره ۵ میزان خشونت روانی و کلامی را در بین مناطق مختلف شهر اصفهان نشان می‌دهد بر این اساس منطقه ۳، محله‌ی نقش جهان، با میانگین (۶۵/۸۰) بالاترین میزان خشونت روانی و کلامی را داشته، سپس منطقه ۸، محله‌ی بهرام آباد با میانگین (۶۲/۳۶) و منطقه ۵ محله‌ی جلفا با میانگین (۴۹/۳۶) و در آخر منطقه ۲، محله‌ی بابوکان با میانگین (۵۴/۲۷) و منطقه ۱، محله‌ی خرم با میانگین (۴۴/۱۰) دارای کمترین میزان خشونت بوده است. همچنین طبق آزمون تحلیل واریانس و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) متغیر مناطق شهری رابطه‌ی مستقیم و معنی داری با متغیر وابسته خشونت روانی-کلامی داشته است.

فرضیه پنجم: بین احساس ناکامی و خشونت روانی-کلامی مردان و زنان رابطه وجود دارد.



جدول شماره ۶. ماتریس همبستگی بین متغیر مستقل و متغیر وابسته به تفکیک ابعاد

متغیر وابسته متغیر مستقل	جنسیت	خشونت روانی کلامی	کل
ناکامی	مرد	۰/۳۳۸**	۰/۴۰۰**
	زن	۰/۳۳۴**	
	مرد	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	زن	۰/۰۰۰	

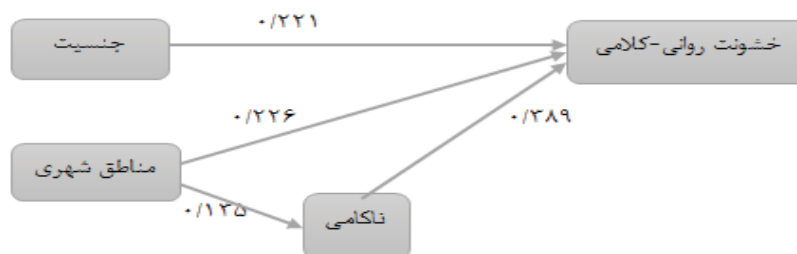
$P < 0/05$ ;  $P < 0/01$ ;  $P < 0/00$

با توجه به جدول بالا، نتایج آزمون ضریب همبستگی بر حسب جنسیت نشان می‌دهد در تمامی موارد مذکور فرضیه تحقیق تایید شده است. بدین معنا که ضریب همبستگی برای مردان (۰/۳۳۸\*\*) و با سطح معنی داری (۰/۰۰۰) و برای زنان با ضریب همبستگی (۰/۳۳۴\*\*) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه مستقیم و معنی داری با خشونت روانی و کلامی داشته است. همچنین شاخص کلی ناکامی با ضریب همبستگی (۰/۴۰۰\*\*) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) رابطه‌ی مستقیم با خشونت روانی و کلامی داشته است.

جدول شماره ۷. رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان خشونت روانی-کلامی

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	t	سطح معناداری
	B	(Beta)		
جنسیت	۰/۱۱۸	۰/۲۲۱	۰/۷۴۸	۰/۰۱۴
مناطق شهری	۰/۳۴۴	۰/۲۲۶	۷/۳۲۴	۰/۰۰۰
ناکامی	۰/۵۴۸	۰/۳۸۹	۸/۲۴۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		ضریب تعیین		ضریب همبستگی
			چندگانه	
		۰/۱۵۱		۰/۳۸۹

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد از بین سه متغیر مستقل (جنسیت، مناطق شهری و ناکامی) موجود در الگوی رگرسیونی، متغیر ناکامی و مناطق شهری به ترتیب با مقدار ضریب بتای ۰/۳۸۹ و ۰/۲۲۶ متغیر وابسته خشونت روانی و کلامی را به خوبی تبیین کرده است. نتیجه‌گیری می‌شود به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در این متغیرها، خشونت روانی و کلامی به میزان ۰/۳۹۰ و ۰/۲۲۷ انحراف معیار افزایش خواهد یافت. همچنین متغیر جنسیت با میزان بتای ۰/۲۲۱ نیز در تبیین متغیر خشونت روانی و کلامی سهم داشته است. این متغیرها با توجه به مقدار  $R^2$  (۰/۱۵۱) تقریباً ۱۵/۱٪ از تغییرات (واریانس) خشونت روانی و کلامی را تبیین می‌کنند و مابقی این تغییرات تحت تاثیر متغیرهای خارج از الگوست. با توجه به آزمون رگرسیون چند متغیره مشخص شده است که همه متغیرها وارد شده زیر، جنسیت (با مقدار بتای ۰/۲۲۱)، مناطق شهری (با مقدار بتای ۰/۲۲۶) و ناکامی (با مقداری بتای ۰/۳۸۹) در الگوی رگرسیونی، تاثیر مستقیم در متغیر وابسته خشونت روانی و کلامی داشته‌اند. تنها متغیر مناطق شهری (با مقدار بتای ۰/۱۳۵) تاثیر مستقیم و تاثیر غیرمستقیم بر متغیر خشونت روانی و کلامی داشته است.



شکل ۲. مدل تحلیل مسیر

جدول شماره ۸. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل خشونت روانی-کلامی

متغیر مستقل	نوع اثر		کل
	مستقیم	غیر مستقیم	
جنسیت	-	۰/۲۲۱	۰/۲۲۱
مناطق شهری	۰/۱۳۵	۰/۲۲۶	۰/۳۶۱



جدول ۸ به بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته (میزان خشونت روانی-کلامی) می پردازد. با توجه به جدول فوق، می توان اشاره کرد که متغیر ناکامی با مقدار بتای ۰/۳۸۹ بیشترین اثر مستقیم و کل را بر متغیر وابسته (میزان خشونت روانی-کلامی) داشته است. همچنین متغیر مناطق شهری با مقدار بتای ۰/۲۲۶ دارای تاثیر مستقیم و با مقدار بتای ۰/۱۳۵ داری تاثیر غیرمستقیم و تاثیر کل (۰/۳۶۱) بر روی متغیر وابسته خشونت روانی و کلامی بوده است و متغیر جنسیت با مقدار بتای ۰/۲۲۱ دارای اثر مستقیم و کل بر متغیر خشونت روانی و کلامی بوده است.

### بحث و نتیجه گیری

در تمام طول تاریخ، بشر با وجود مخاطرات، جنگها و سختی هایی که متحمل شد، هیچ گاه دست از تشکیل خانواده نکشید و همواره محیط خانواده محل آرامش و احساس امنیت زن و مرد و فرزندان بوده است. امروزه به دلیل گسترش صنعتی شدن، رشد فناوری های نوین، تغییر سیمای شهرها و روستاها زندگی های ساده چند دهه قبل، ابعاد پیچیده ای به خود گرفته است. زنان بیشتر راغب به کار بیرون از منزل هستند و مردان نیز دیگر در شغل هایی که معمولاً از پدر خود به ارث می بردند فعالیت نمی کنند. زن و مرد خانواده هر کدام جداگانه مشغول فعالیت بوده و فرزندان هم یا در بازار کار هستند و یا در محیط های آموزشی به سر می برند. این تغییر شکل و سبک زندگی های امروزی معضلات و چالش های بسیاری را برای خانواده ها پدید آورده است. بشری که هزاران سال به یک سبکی زندگی می کرد در طول چند دهه، گونه ها و مدل های مختلف از زندگی را تجربه کرده است و این عدم تعادل بین تغییرات صورت گرفته و سبک زندگی تعارضاتی را برای زندگی زناشویی پدید آورده است که یکی از این معضلات خشونت های خانگی هستند و به دلیل تاثیرات گسترده ای که این خشونت ها بر

خانواده‌ها دارند لازم و بایسته است که توجه به خانواده‌ها از مهم‌ترین برنامه‌های سیاستمداران جامعه باشد چراکه عدم توجه به مسائل و مشکلات خانواده‌ها آسیب‌های جبران ناپذیری را به همراه خواهد داشت. خشونت خانگی از هر نوعی (روانی، کلامی، مالی، جنسی) که باشد از موانع اصلی است که سلامت و تحکیم خانواده را به خطر می‌اندازد، زیرا زنان و مردان عناصر و اساس پایداری خانواده اند و ادامه موجودیت خانواده متکی به آن‌هاست.

در ایجاد خشونت میان همسران علل و عوامل بسیاری دخیل هستند، شناسایی این عوامل و عناصر از پیش شرط‌های اساسی جهت کاستن خشونت‌هاست. در این پژوهش متغیرهای مناطق شهری، جنسیت و ناکامی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد شاخص کل خشونت روانی مردان بیشتر از زنان است اما هنگامی که ابعاد مختلف خشونت روانی را بررسی می‌کنیم اعداد و ارقام نشان دهنده‌ی آن است که در بعد محدودیت با میانگین (۶/۶) و بعد اجبار با میانگین (۶/۶۱) خشونت مردان بیشتر از زنان است و در ابعاد عصبانیت با میانگین (۷/۰۶) و بعد بهانه‌گیری با میانگین (۷/۰۲) زنان از مردان خشونت بیشتری دارند. این مهم با نتایج پورنقاش تهرانی و تاشک (۱۳۸۶) پورافکاری و همکاران (۱۳۹۲) مدهانی و همکاران (۲۰۱۵) و آتلند و همکاران (۲۰۱۷) همسوست. به نظر می‌رسید در دو بعد محدودیت و اجبار که مردان خشونت بیشتری نسبت به زنان روا می‌دارند و با توجه به گویه‌هایی که از زنان پرسیده شد (محدودیت: همواره مرا از ملاقات با دوستانم منع می‌کند؛ مرا از ادامه تحصیل منع کرده است؛ مرا از ارتباط با خویشاوندانم منع می‌کند؛ تماس با خانواده را محدود می‌کند) و (اجبار: من را به انجام کارهایی وادار می‌کند، که بعد احساس بدی دارم، من را به اجبار به خانه‌ی اقوامی می‌برد که دوست ندارم با آن‌ها ارتباط داشته باشم؛ من را وادار می‌کند پوشش و لباسی انتخاب کنم که دوست ندارم؛ اظهار می‌کند که از روی اجبار مرا به همسری انتخاب کرده است) بیشتر این نوع خشونت جنبه‌ی تاریخی فرهنگی در جامعه ایران دارد، همان عقاید مردسالارانه که جنس مذکر را برتر از جنس مونث می‌داند، زنان را ضعیف‌تر از مردان می‌پندارد، پس از آغاز زندگی زناشویی مردان را صاحب زنان به شمار می‌آورد که باید از مرد خانه اطاعت امر کند و چون زن موجودی ضعیف است نیازمند امر و نهی از سوی

مردان است. در واقع، نگرش‌ها، باورها و الگوهای فرهنگی از مهم‌ترین عوامل ساختاری زمینه‌ساز بر تقویت چرخه‌های خشونت علیه زنان است.

نتایج دیگر تحقیق نشان می‌دهد شاخص کل خشونت کلامی زنان بیشتر از مردان است. اما ابعاد مختلف خشونت کلامی به تفکیک نشان می‌دهد که در بعد توهین با میانگین (۶/۸۹)، بعد تهدید با میانگین (۶/۲۲) و در بعد تحقیر با میانگین (۶/۳۲) زنان علیه مردان خشونت روا می‌دارند. به نظر می‌رسد در سه بعد (توهین: با گویه‌های به من توهین می‌کند و ناسزا می‌گوید؛ اکثر اوقات القاب ناشایست به کار می‌برد؛ از توهین به نزدیکانم، خواهر و برادرم ابائی ندارد؛ به عقاید مذهبی و افکارم توهین می‌کند؛ در جمع خانواده و اقوام، با واژه‌های رکیک مرا مورد خطاب قرار می‌دهد.) و (تهدید: من را تهدید به طلاق و ازدواج مجدد می‌کند؛ تهدید به محرومیت از فعالیت‌های مورد علاقه‌ام می‌کند؛ به من گوشزد می‌کند، کاری خلاف میلش انجام دهم به من آسیب می‌رساند؛ تهدید می‌کند که مرا از دیدن فرزندانم محروم می‌کند) و (تحقیر: در برابر دیگران مرا تحقیر می‌کند؛ در جمع دیگران مرا به مسخره می‌گیرد؛ در جمع دیگران نقاط ضعفم را می‌گوید؛ در جمع دیگران رفتارهایی انجام می‌دهد که شرم‌نده می‌شوم) زنان علیه مردان خشونت روا می‌دارند. یکی از دلایل افزایش خشونت کلامی زنان این است که در عصر حاضر با توجه به تغییرات فرهنگی آگاهی زنان نسبت به حقوق و وظایف خود بیشتر شده و زنان مانند گذشته در برابر خشوتی که مردان نسبت به آن‌ها روا می‌دارند دیگر سکوت نمی‌کنند و حالت تدافعی به خود نمی‌گیرند. بنابراین با توجه به نتایج تحقیق حاضر، خشونت کلامی زنان نسبت به مردان بیشتر در قالب توهین، تحقیر و اتهام (تمسخر کردن، فحاشی؛ عیب و نقص یکدیگر را در جمع گفتن) اتفاق می‌افتد. در واقع خشونت به جای مشت و حملات فیزیکی به خشونت در قالب کلمات تبدیل شده است.

از نتایج دیگر این تحقیق بود که میزان ناکامی در بین زنان و مردان شهر اصفهان نیز کمتر از میانگین معیار بوده است. ولی مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد میزان احساس ناکامی زنان در دو بعد درونی و بیرونی بیشتر از مردان است. اگر ناکامی را حالت فردی که از ارضای یک نیاز منطقی خود محروم شده یا حتی در برآوردن هدف‌های خود گول خورده است تعریف کنیم.

این احساس ناکامی می‌تواند در زندگی زناشویی علل و عوامل بسیاری از جمله تفاوت‌های فرهنگی بین زوجین، عدم دستیابی به خواسته‌ها و اهداف در زندگی مشترک و همچنین مشکلات اقتصادی و ... داشته باشد و ممکن است برای تخلیه احساس ناکامی زن و مرد رو به خشونت علیه هم بیاورند. این خشونت هنگامی زیان‌بارتر می‌شود که خشونت یک رفتار جبرانی در مقابل ناکامی باشد.

همچنین نتایج نشان داد: میزان خشونت در مناطق مختلف شهری اصفهان متفاوت است. بنابراین می‌توان گفت، مردان برخاسته از طبقات پایین منابع کمتری نسبت به سایر مردان طبقات بالای جامعه در اختیار دارند، از خشونت به عنوان منبعی برای اعمال قدرت استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، برتری زن بر شوهر در دسترسی به منابع بیشتر با هنجارهای مردسالارانه جامعه همخوانی ندارد، لذا شوهرانی که به منابع کمتری دسترسی دارند، برای القای برتری خود از خشونت علیه زنان استفاده می‌کنند. این افراد سرخوردگی ناشی از عدم دسترسی به منابع قدرت را با خشونت علیه همدیگر آزاد می‌سازند. بدین معنا که هر چه افراد در مناطقی که سطح خدمات رفاهی و امکانات بیشتری دارد سکونت داشته باشند؛ نسبت به مناطق پایین‌تر که سطح خدمات رفاهی و امکانات کمتری دارند؛ خشونت روانی و کلامی کمتری را تجربه می‌کنند.

#### محدودیت‌های پژوهش

در این مطالعه محدودیت‌هایی نظیر عدم تمایل برخی از زنان به شرکت در مطالعه به خاطر ترس از افشای اسرار خصوصی و دشواری دعوت به شرکت در مطالعه در زنانی که بلافاصله پس از آزار توسط همسرانشان به مراکز پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند و یا دچار آسیب‌های شدید جسمانی شده بودند، وجود داشت. همچنین گسترده بودن و فاصله مکانی محلات کار جمع‌آوری داده‌ها را با دشواری مواجه کرده بود. در ضمن فاصله مکانی محلات از هم هزینه‌های مالی این تحقیق را نیز افزایش داده بود.



### پیشنهادهای پژوهشی

پژوهش‌های مشابهی در جهت مقایسه خشونت روانی و کلامی میان مردان و زنان در سایر شهرهای اصفهان صورت گیرد تا با امکان مقایسه و ارزیابی‌های تطبیقی در سطح شهر، برنامه-ریزی‌های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی دقیق‌تری شود.

بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه خشونت انجام گرفته: مربوط به خشونت علیه زنان است، لذا پیشنهاد می‌شود جهت مقایسه خشونت در خانواده‌ها، خشونت علیه مردان نیز لحاظ شود. تا مسئله خشونت به صورت ریشه‌ای بررسی شود و تمام عوامل موثر بر آن شناسایی گردد. با توجه به اینکه خشونت روانی و کلامی متاثر از عوامل متعددی است لذا پیشنهاد می‌شود سایر عوامل تاثیر گذار بر روی چنین خشونت‌ی بررسی شود.

پیشنهاد می‌شود مطالعات کیفی در حوزه خشونت علیه زنان و مردان صورت گیرد تا زمینه‌ها، بسترها و پیامدهای آن مشخص گردد.

### پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتایج تحقیق که احساس ناکامی منجر به خشونت روانی-کلامی می‌گردد و آرامش خانواده را به هم می‌زند و آثار مخرب برای جامعه در پی دارد باید عوامل و شرایط ناکامی توسط متولیان امر برطرف شود.

۱- ایجاد هر چه بیشتر فضاهای شاد و مفرح، مثل پارک‌ها و شهربازی‌ها برای افزایش شادابی و کاهش روحیه‌ی پرخاشگری.

۲- تقویت اعتماد به نفس و بازداری از عقاید و افکار آزاردهنده در بین زنان و مردان.

۳- برخی از عوامل که به عنوان بحران‌ها و وقایع زندگی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در تمایلات افراد به خشونت طلبی و پرخاشگری موثرند مورد توجه قرار گیرند (فقر، بی‌کاری، مسکن).

۴- نتایج تحقیق نشان می‌دهد جنسیت منجر به خشونت روانی-کلامی می‌گردد، آموزش‌های صحیح و مناسب برای زوجین منجر به کاهش خشونت در بین آنان می‌شود.

- ۵- ایجاد مراکز مشاوره برای زوج‌ها با هدف آموزش مهارت‌های لازم در جهت رویارویی و برخورد با بحران‌های زندگی.
- ۶- برگزاری کارگاه‌های آموزشی با کمک مراکز مشاوره و درمانی به صورت رایگان و آموزش نحوه‌ی کنترل رفتار در مواقع عصبانیت.
- ۷- ایجاد کارگاه و آموزشگاه‌ها برای فعالان و نهادهای فعال اجتماعی در جهت کاهش خشونت خانوادگی.
- ۸- راه‌اندازی کارگاه‌های رفع خشونت خانوادگی برای مردان و زنان به گونه‌ی جداگانه.
- ۹- راه‌اندازی کارگاه‌های آموزشی - مشورتی برای علما و خطبای نماز جمعه در جهت آگاه کردن مردان و زنان از عواقب چنین خشونتی در خانواده و جامعه.



## منابع

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰). تحلیل ساختاری جنسیت. گردآورنده نسرين جزئی، نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران. تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول. صص ۱۳۱-۱۴۴.
- آبوت، پاملا، و کلر، والاس. (۱۳۹۱). *جامعه شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- برکویتز؛ لئونارد. (۱۳۷۲). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه محمد حسین فرجاد و عباس محمدی اصل. چاپ اول. انتشارات اساطیر.
- بگ رضایی، پرویز؛ زنجانی، حبیب الله و سیف اللهی، سیف الله. (۱۳۹۶). فراتحلیل مطالعات خشونت شوهران علیه زنان در ایران. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۱(۲۸)، ۷۲-۹۷.
- پورافکاری، نصراله؛ عنایتی، حدیث؛ علمداری، حسین و امیری، رقیه. (۱۳۹۲) بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر خشونت روانی مردان علیه زنان شهر اصفهان. *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی-واحد شوشتر*، ۷(۴)، ۵۹-۸۶.
- پورنقاش تهرانی، سید سعید؛ قلندرزاده، زهرا؛ فراهانی، حجت الله؛ صابری، سید مهدی و پاشایی بهرام، معصومه. (۱۳۹۷). رابطه بین خشونت خانگی و عملکردهای شناختی در زنان قربانی همسر آزاری: نقش واسطه‌ای خود تنظیمی و پریشانی روانشناختی. *فصلنامه روان‌شناسی شناختی*، ۶(۳)، ۵۸-۶۹.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ یعقوبی دوست، محمود و شاهون وند، بهرور. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده با خشونت خانگی علیه فرزندان. *مطالعات علوم اجتماعی*، ۱۰(۳۹)، ۳۲-۵۰.
- رابرت گر، تد. (۱۳۸۸). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟*. ترجمه علی مرشدی زاده. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبری.
- روزن باوم، هایدی. (۱۳۶۷). *خانواده به منزله‌ی ساختاری در مقابل جامعه*. ترجمه محمد صادق مهدوی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- ریترز، جرج. (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- زمانی مقدم، مسعود و حسونندی، صبا. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی کیفی خشونت خانگی علیه زنان خانه‌دار در شهر خرم آباد. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۱۰(۳)، ۲۶-۲۰.
- ساعی ارسی، ایرج و نیک نژاد، زهرا. (۱۳۸۹). تحلیل جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان. *فصلنامه علوم رفتاری*، ۲(۳)، ۹۷-۱۲۲.
- سهراب‌زاده، مهران و منصوریان راوندی، فاطمه. (۱۳۹۶). تجربه زیسته از خشونت کلامی در خانواده، زنان شهر کاشان. *زن در فرهنگ و هنر*، ۹(۹)، ۲۴۵-۲۶۴.
- سیف ربیعی، محمدعلی؛ رضانی، فاطمه؛ نادیا حتمی، زینت. (۱۳۸۱). همسر آزاری و عوامل موثر بر آن. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۱(۴)، ۵-۲۵.
- شربتیان، محمد حسن؛ دانش، پروانه و طوافی، پویا. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه‌ی آن با احساس امنیت در خانه (مطالعه‌ی موردی زنان ۱۸-۵۴ ساله شهر میانه). *پژوهش‌های راهبردی و نظم اجتماعی*، ۶(۱)، ۴۷-۷۲.
- صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۹). خشونت‌های خانگی و استراتژی‌های زنان در مواجهه با آن. *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۱۰۷-۱۴۲.
- طالب‌پور، اکبر. (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر خشونت خانگی با تاکید بر همسرآزاری (مطالعه موردی مناطق شهری و روستایی استان اردبیل). *دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۶(۱۱)، ۲۷-۴۹.
- علیوردی نیا، اکبر؛ ریاحی، محمد اسماعیل و فرهادی، محمود. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان، مدلی نظری و آزمون تجربی. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۶(۳)، ۹۵-۱۲۷.
- فوکو، میشل. (۱۳۸۷). *دانش و قدرت*. ترجمه محمد ضمیران. تهران: نشر هزمن.
- قاسمی، منا؛ صداقتی فرد، مجتبی و پیرخانی، علیرضا. (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی موثر بر خشونت علیه زنان در خانواده با تاکید بر نقش نظام اقتداری در خانواده. *مطالعات*





جامعه‌شناسی، ۴(۱۵)۵۹-۷۳.

کار، مهرانگیز. (۱۳۸۱). پژوهشی در راه خشونت علیه زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

کبیری، افشار؛ سعادت، موسی و نوروزی، وحید. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه). فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۹(۲)۲۹۵-۳۲۰.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۹). مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق. نامه علوم اجتماعی، ۸(۱۶)۷-۳۲.

نوری، احمد؛ اعتمادی، عذرا؛ جزایری، رضوان السادات و فاتحی زاده، مریم. (۱۳۹۶). واکاوی همسرآزاری روانشناختی مردان علیه زنان در زوجین ایرانی؛ یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۵(۱)، ۱۱۱-۱۱۷.

- Abbott, P., & Wallace, K. (2016). *Sociology of Women*. Translated by M Najm Iraqi. Twelfth Edition. Tehran: Ney Publishing. (Original Work Published 1990). [Text in Persian]
- Ahnlund, P., Andersson, T., Snellman, F., Sundström, M., & Heimer, G. (2020). Prevalence and correlates of sexual, physical, and psychological violence against women and men of 60 to 74 years in Sweden. *Journal of interpersonal violence*, 35(5-6), 1539-1561.
- Alivardinia, A., Riahi, M. I., & Farhadi, M. (2011). Social analysis of husband's violence against women, a theoretical model and experimental test. *Iranian Social Issues Quarterly*, 6(3), 95-127. [Text in Persian]
- Alves, V., Manita, C., & Morais, L. (2019). Evolution and Analysis of Cultural and Cognitive Factors Related With Domestic Violence Against Women. *Journal of Interpersonal Violence*. 34 (3), 621-641.
- Atteraya, M. S., Gnawali, S., & Song, I. H. (2015). Factors associated with intimate partner violence against married women in Nepal. *Journal of interpersonal violence*, 30(7), 1226-1246.
- Azari, Sh (2001) *Structural Analysis of Gender: An Attitude on Gender Analysis in Iran*, Collection and Arrangement: Nasrin Jazei, Tehran, Shahid Beheshti University, First Edition. Pp. 144-131. [Text in Persian]
- Azazi, Shahla (2001). *Structural analysis of gender*. Compiled by Nasrin Mokhti, A View on Gender Analysis in Iran. Shahid Beheshti University, Tehran. [Text in Persian]

- Bagrezaei, P., Zanjani, H., & Seifollahi, S. (2017). a meta-analysis of the studies on the violence of husbands against wives in Iran. *The Women And Familiy Cultural-Educational Journal*, 11(38), 71-97. [Text in Persian]
- Berkoitz; L; (1371). *social Psychology*; Translation; Dr. Mohammad Hossein Farjad Abbas Mohammadi Asl; First Edition; Mythical Publications.(Original work published 1992) [ Text in Persian]
- Childress, S., Gioia, D., & Campbell, J. C. (2018). Women's strategies for coping with the impacts of domestic violence in Kyrgyzstan: A grounded theory study. *Social work in health care*, 57(3), 164-189.
- Ebenezer, S., Agbemaflle, I. (2016). *Determinants of domestic violence against women in Ghana*. *BMC Public Health*. 16: 368: 1-9.
- Foucault, M. (2008). *Knowledge and Power*, Translated by Mohammad Zamiran, Hazman Press, Tehran. [Text in Persian]
- Ghasemi, M., Sedaghati Fard, M., & Pirkhaeghi, A. (2013). Social Factors Affecting Violence against Women in the Family with Emphasis on the Stress of the Authority System in the Family, *Sociological Studied of Iran*, 8(1), 142-158. [Text in Persian]
- Heydarabadi, A., Yaghoubi, D. M., & Shahvand Wand, B. (2014). Studying the relationship between the perceived social support and domestic violence of parents with children, *Journal Of Specialized Social Science* , 10(39), 32 -50. [Text in Persian]
- Kabiri, A., Saadati, M., & Noruzi, V. (2018). Sociological analysis of factors affecting domestic violence case study: Married women in Urmia. *Quarterly Journal of Women and Society*, 9(34), 295-320. [Text in Persian]
- Kar, M (2001). *Research on Violence Against Women in Iran Tehran*: Roshangaran Publications and Women's Studies.[Text in Persian]
- Madhani, F. I., Karmaliani, R., Patel, C., Bann, C. M., McClure, E. M., Pasha, O., & Goldenberg, R. L. (2017). Women's perceptions and experiences of domestic violence: An observational study from Hyderabad, Pakistan. *Journal of interpersonal violence*, 32(1), 76-100.
- Mohseni Tabrizi, A. (2000). Theoretical and Experimental Foundations of Vandalism: A Review of the Findings of a Research, *Nameh-Ye Olum-E Ejetmai*, 8(16), 7-32. [Text in Persian]
- Nori, A., Etemadi, A., Jezayeri, R., & Fatehizadeh, M. (2018). an evaluation of psychological domestic abuse of women by their spouse in Iranian couples. *Journal of Research Behavioural Sciences*, 15(1), 111-117. [Text in Persian]
- Pourafkari, N., Enayati, H., Alamdari, H., & Amiri, R. (2013). sociological study of the factors affecting men's psychological violence against women in Isfahan. *Quarterly Proffesional Journal of Social Sciences*,7(4), 86-59. [Text in Persian]
- Pournaghash Tehrani, S. S., Ghalandarzadeh, Z., Farahani, H., Saberi, S. M., Pashaei Bahram, M. (2018). Relationship between domestic violence and



- cognitive functions in women victim of spouse abuse: Mediating role of the self-regulation and psychological distress, *Journal of Cognitive Psychology*, 6(3), 58-69. [Text in Persian]
- Pourneqash Tehrani, S., & Tashk, A. (2007). Study and comparison of various types of domestic violence in men and women. *Quarterly of Psychological Studies*, 3, 129-137. [Text in Persian]
- Ramos, B. M., & Carlson, B. E. (2004). Lifetime abuse and mental health distress among English-speaking Latinas. *Affilia*, 19(3), 239-256.
- Reiding, M. J., Black, M. C., & Ryan, G.W. (2008). Prevalence and risk factors of intimate partner violence in eighteen US states/territories. *American Journal of Preventive Medicine*, 34(2), 112-8. [DOI:10.1016/j.amepre.2007.10.001] [PMID]
- Ritzer, G (1384). "Sociological theories in the contemporary era" Translation: Mohsen Thalasi, Tehran: Scientific Publications. (Original work published 2004). [Text in Persian]
- Robert G; Ted; (1388). *Why do people rebel?* Translation; Ali Morshedizadeh, Tehran, Leadership Studies Research Institute Publications. (Original work published 2009). [Text in Persian]
- Rosen Baum, H. (1988). *"Family as a Structure Against Society"* Translated by Mohammad Sadegh Mahdavi, Chap, Roudaki, University Publishing Center, Tehran. [Text in Persoan]
- Sadeghi, S. (2010). A Qualitative Study of Domestic Violence and Women's Coping Strategies in Iran. *Journal of Social Problems of Iran*, 1(1), -. [Text in Persian]
- Saie arasi, I., Niknezhad, Z. (2010). The sociological of aggression, *Journal of Behavioral Sciences*, 2(3), 97-122. [Text in Persian]
- Saif Rabiee, M. A., Ramezani Tehrani, F., & Nadia Hatami, Z. (2002). Spousal Abuse and Factors Affecting It. *Quarterly Journal of Women's Research*, 1(4), 25-55. [Text in Persian]
- Sharabteyan, M. H., Danesh, P., & Tavafi ,P. (2017). Sociological analysis of domestic violence against women and its impact on the sense of security (Case study 18 women 54 years in miyaneh). (2017). *Strategic Rssearch on Social Problems in Iran University of Isfahan*, 6(1), 47-72. doi:10.22108/ssoss.2017.21280 [Text in Persian]
- Sohrabzadeh, M., & Mansoriyan Ravandi, F. (2017). Women's lived experience of verbal violence in the family (Case study: women in Kashan). *Journal of Woman in Culture Arts*, 9(2), 245-264. doi:10.22059/jwica.2017.234644.883[Text in Persian]
- Talebpour, A. (2018). Investigating Affecting Factors on Violence against Women with Emphases on Wife Abuse(Case Study; Ardebil Province). *Scientific Journal Management System*, 6(11), 27-49. doi:10.22084/csr.2017.11789.1191[Text in Persian]

- Tokuç, B., Ekuklu, G., & Avcioglu, S. (2010). Domestic violence against married women in Edirne. *Journal of Interpersonal Violence, 25*(5), 832-847.
- Zamani-moghadam, M., & Hasanvandi, S. (2019). A Qualitative Study of Domestic Violence Against Housewives in Khorramabad. *Quarterly Journal of Women and Society, 10*(39), 145-170. [Text in Persian]
- Zavala, E. (2007). Non physical intimate partner violence emotional abuse and controlling behavior against women [Thesis]. *El Paso, TX: The University of Texas at El Paso.*



## نویسندگان

**parsamehr@yazd.ac.ir**

**مهربان پارسا مهر**

دانشیار گروه جامعه‌شناسی (دانشگاه یزد)

مطالعات و پژوهش‌های وی بیشتر در خصوص انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سلامت است. همچنین بیش از ۲۰ مقاله علمی-پژوهشی فارسی و چندین مقاله انگلیسی در زمینه‌های مختلف اجتماعی دارد. مختصری از مقالات ایشان در زیر آورده شده است:

- بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی در میان نوجوانان  
- بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر وندالیسم مورد مطالعه دانش‌آموزان دبیرستانی شهر اهواز

- بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان

**m.you7905@gmail.com**

**معصومه یوسفی شیخ رباط**

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد. جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، ۱۳۹۸

**mehran.bondori465@gmail.com**

**مهران بندری**

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد. جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، ۱۳۹۸





## ***The Relationship between Failure and Psycho-verbal Violence of Men and Women in Families of Isfahan***

Mehraban Parsa Mehr<sup>1\*</sup>  
Masoumeh Yousefi Shikh Robot<sup>2</sup>  
Mehran. Bondori<sup>3</sup>

### ***Abstract***

Psychological and verbal violence is one of the most common types of violence in which the physical and overt dimensions of violence are less visible and the hidden and mental angles are more visible. This type of violence usually manifests itself in words and deeds that hurt the human mind. The aim of this study was to measure the rate of failure and psychological and verbal violence among men and women in families in Isfahan. The research method was comparative-correlational. The statistical population of the study included all married men and women in Isfahan who have been married for two years, and among them 384 individuals were selected based on Cochran's formula using two-step cluster sampling method. Data were collected using the standard Gilbert and Allen questionnaire as well as the researcher-made questionnaire. The findings of study show that

---

<sup>1</sup> . Associate Professor, Department of Sociology, Yazd University,

\* Corresponding author: Pasamehr@yazd.ac.ir,

<sup>2</sup> . M.A. Student of Sociology, Department of Sociology, Yazd University.

<sup>3</sup> . MA. Student of Sociology, Department of Sociology, Yazd University

Submit Date:2020.03.04

Accept Date: 2020.04.20

DOI:10.22051/JWSPS.2020.30570.2177



psychological violence is more common among men and verbal violence is more common among women. There was also a positive and significant correlation between feelings of failure and psychological and verbal violence. There is also a difference between gender and verbal psychological violence, as there is more psychological-verbal violence among women than men. Multivariate regression analysis shows that the variables of gender, failure and residential area explain about 15.1% of the changes in the rate of psycho-verbal violence in Isfahan.

***Keywords***

Violence, Failure, Gender, Family